

واکاوی تجارب زیسته مربیان عفاف‌گرایی: پیش‌برنده‌ها و بازدارنده‌ها^۱

محمود سعیدی رضوانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۲۲

فاطمه غلامی^۳

DOI: 10.30497/esi.2023.245233.1681



چکیده

این پژوهش به منظور واکاوی تجارب زیسته مربیان عفاف‌گرایی صورت گرفته است تا امکان تحلیل فرصت‌ها و چالش‌های این حرفه مهم مهیا شود. جامعه پژوهش حاضر، مربیان عفاف‌گرایی مرتبط با مدارس دوره ابتدایی و متوسطه شهر مشهد را شامل می‌شود که هفده نفر از ایشان به صورت هدفمند از نوع «با حداکثر تنوع» انتخاب شدند و با توجه به معیار اشباع داده‌ها و تکرار اطلاعات، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با آن‌ها صورت گرفت. پس از انجام‌شدن مصاحبه‌ها، کاوش در تجارب مربیان عفاف‌گرایی و تجزیه و تحلیل اطلاعات، یافته‌های پژوهش در قالب ۱۰۳ مفهوم و ۲۱ مقوله جای داده شد و در نهایت، مقوله‌های تدوین‌شده، تحت لوای شش مضمون پیش‌برنده فردی، پیش‌برنده تعاملی، پیش‌برنده دانشی و مهارتی، بازدارنده دانشی و مهارتی، بازدارنده تعاملی، و بازدارنده ساختاری و فرهنگی قرار گرفتند. بررسی یافته‌ها نشان می‌دهد آنچه مربیگری را پیش می‌راند، تعامل و برهم‌کنش مجموع عوامل پیش‌برنده است و حاصل جمع عوامل بازدارنده نیز اسباب بازدارندگی و اثربخش‌نبودن وظیفه مربیگری می‌شود؛ از این روی، برآیند مجموعه عوامل پیش‌برنده با هم‌جمع‌ی عوامل بازدارنده، درکنار دیگر عوامل، تعیین‌کننده موفقیت یا ناکامی جامعه در عفاف‌گرایی و تربیت جنسی مطلوب و در نتیجه، بروز رفتارهای سالم یا مخرب جنسی در نسل آینده خواهد بود.

واژگان کلیدی: تجارب زیسته، مربیان عفاف‌گرایی، پیش‌برنده‌ها، بازدارنده‌ها.

۱. این مقاله، برگرفته از بخشی از نتایج پژوهش تعیین نیازهای آموزشی مربیان تربیت جنسی است که با پشتیبانی مالی مؤسسه رصد، مطالعات و سیاست‌گذاری اجتماعی (سجا)، از سوی کارگروه عفاف‌گرایی و تربیت جنسی دانشگاه فردوسی مشهد صورت گرفته است.

۲. دانشیار گروه مطالعات برنامه درسی و آموزش، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول).

saeedy@um.ac.ir

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

fatemehgholami436@yahoo.com

بیان مسئله

انسان، گل سرسبد هستی است که به نیکوترین وجه خلق شده^۱ (تین، ۴)؛ زیرا در آفرینش او هدفی متعالی، یعنی رسیدن به کمال مطلق و سعادت حقیقی مورد نظر است (فیاضی، رامشت و صداقت‌زاده، ۱۴۰۲، ص. ۱۸۰)؛ اما او برای شکوفاشدن ابعاد و استعدادهای نهانی‌اش باید تربیت شود. فرایند تربیت، ابعاد متعددی دارد و تربیت جنسی از مهم‌ترین ساحت‌های آن محسوب می‌شود که در هدف نهایی آفرینش نیز برای دست‌یافتن به مقام منیع خلافت‌اللهی، نقشی اساسی دارد (شمس‌الدین دیانی و نمازی‌زادگان، ۱۳۹۴). تربیت جنسی، عبارت از فرایند مدیریت، مراقبت و برآوردن نیاز جنسی است که متناسب با دوره‌های مختلف رشد تعریف می‌شود (مرویان حسینی، ۱۳۹۴). این‌گونه تربیت را می‌توان به معنای فراهم‌آوردن زمینه مساعد برای رشد غریزه جنسی دانست؛ به گونه‌ای که ضمن استفاده از این غریزه به میزان لازم، از انحرافات و لغزش‌های جنسی نیز پیشگیری شود (محمدی مقدم، ۱۳۹۴، ص. ۴۳)^۲. کج‌روی‌های جنسی در دوره‌های نوجوانی و جوانی را می‌توان ناشی از عللی همچون ضعف اعتقادی، عوامل اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی، رعایت‌نشدن و آموزش‌داده‌نشدن مسائل اخلاقی از طرف خانواده و نهادهای مرتبط و در نتیجه، وجودنداشتن آگاهی و مهارت کافی در فرد در خصوص مرحله حساسی دانست که او آن را سپری می‌کند (سلیمانی‌نسب، نورعلی‌زاده میانجی و همتی، ۱۴۰۲، ص. ۳۶).

هندسه مفهومی تربیت جنسی، یعنی عرضه اطلاعات و اعمال تربیت مربوط به غریزه جنسی را می‌توان در سه سطح ترسیم کرد: نخست، موارد بنیادین اثرگذار بر مسائل جنسی نظیر معاد، حیا، عزت‌نفس، و امر به معروف و نهی از منکر؛ دوم، موارد اثرگذار بلاواسطه بر مسائل جنسی نظیر کنترل نگاه، غسل، نظارت اجتماعی و اقتصاد جنسی؛ سوم، مصادیق

۱. لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ.

۲. تربیت جنسی و عفاف‌گرایی در مقاله حاضر، برگرفته از دیدگاه استاد فرید محمدی مقدم است و در این حوزه می‌توان به کتبی نظیر خانواده و مراقبت‌های جنسی فرزندان در آموزه‌های اسلامی، در ستاره عفاف و جلد‌های اول و دوم امین: روش‌های عفاف‌گرایی و مهارت کنترل غریزه جنسی اشاره کرد که بر اساس منابع دینی و با همکاری سازمان تبلیغات اسلامی تدوین شده‌اند و از مهم‌ترین منابع آموزش بدو و ضمن خدمت مربیان عفاف‌گرایی در مقاله حاضر نیز هستند. در واقع، این مربیان، عضو کانون فرهنگی - تبلیغی امین هستند و تحت نظر استاد فرید محمدی مقدم، دوره‌های آموزشی مختلف را طی کرده‌اند.

امر جنسی یا کاملاً نزدیک با آن مانند چگونگی کامیابی در رابطه زناشویی، چگونگی ولادت فرزند، هویت و تمایلات جنسی، و گناهان جنسی؛ بنابراین، تربیت جنسی در سطوح نخست و دوم و حتی گاه در سطح سوم (نظیر بیان گناهان جنسی)، در طول تاریخ اسلام از طریق منابع و مدارس دینی، حوزه‌های علمیه و والدین صورت گرفته است (سعیدی رضوانی، ۱۳۹۹، ص. ۱۱).

برای تحقق‌بخشیدن تربیت صحیح جنسی فرزندان و پیشگیری از بروز انحرافات اخلاقی در آنان، مراقبت‌ها و دستورالعمل‌هایی در ده مرحله، از زمان قبل از تولد آن‌ها باید اجرا شود؛ نظیر: همسرگزینی، قبل از انعقاد نطفه، هنگام انعقاد نطفه، دوران بارداری، هنگام تولد و نوزادی، شیرخوارگی، خردسالی یا کودکی اول، کودکی دوم، دوران نوجوانی و بلوغ، دوران جوانی، و خواستگاری و ازدواج فرزندان (محمدی مقدم، ۱۳۹۶، ص. ۲۴). جز بعد آینده جنسی که به روابط میان زوجین مربوط می‌شود، در بقیه مباحث تربیت جنسی، یعنی دو بُعد مباحث اخلاق جنسی (عفاف‌گرایی) و آموزه‌های بهداشت جنسی دوران بلوغ^۱ (به‌ویژه در خصوص دختران) نمی‌توان تفاوتی بین تربیت جنسی و پرورش عفاف‌گرایی قائل شد؛ از این روی، در مقاله حاضر که به تجارب زیسته مرّیان دو مقطع دبستان و متوسطه (سن پیش از ازدواج) پرداخته می‌شود، اصطلاح «پرورش عفاف‌گرایی»، معادل با تربیت جنسی دانسته شده است.

عفاف در اصطلاح دینی عبارت است از غلبه عقل بر احساسات و شهوات انسان در فکر، پرهیز از هرگونه معصیت و خطا در عمل، و توجه به کرامت انسانی در برقراری ارتباط با دیگران (جناتی، ۱۳۹۹، ص. ۱۲). در واقع، عفاف، به معنای دارا بودن یک سلسله حریم و حدود است که مانع طغیان و افراط شهوات و صفات نکوهیده عقلی و شرعی در وجود انسان می‌شود. در زبان قرآن و روایات می‌توان ردپای کاربردی لغت‌های «عفت» و «عفاف» را در حوزه‌هایی گوناگون همچون پاکدامنی، کنترل نگاه، پوشش، قناعت، حلال‌خوری، حفظ آبرو و حتی پرهیز از دزدی مشاهده کرد (کارآمد و عباسی، ۱۴۰۰، ص. ۱۱۶).

۱. ابعاد تربیت جنسی عبارت‌اند از: آگاهی‌های جنسی (بهداشت جنسی)، اخلاق جنسی (تربیت میل جنسی) و آینده جنسی (آموزش و یادگیری روابط زناشویی) (سعیدی رضوانی، ۱۳۹۹، ص. ۲).

شیوه‌های تعلیم و تربیت جنسی فرزندان بر دو نوع مستقیم و غیرمستقیم طبقه‌بندی می‌شوند. تربیت جنسی مستقیم، شامل مسائل و اموری است که مستقیماً به نقش جنسیتی دختر و پسر، و وظایف و تمایلات و رفتارهای جنسی آن‌ها مربوط می‌شود؛ مانند هویت‌پذیری جنسی، الگویابی جنسیتی، آشنایی با وظایف هر جنس، آمادگی برای ایفاکردن نقش مادری یا پدری، عفاف‌گرایی و پرهیز از تحریکات جنسی؛ اما تربیت جنسی غیرمستقیم، مشتمل بر جنبه‌هایی است که به‌نحوی بر رفتارهای جنسی دختر و پسر اثر می‌گذارد؛ مانند محبت‌کردن به فرزندان و ارضاکردن نیازهای روانی و عاطفی آنان، پرورش دادن فضایل اخلاقی، و رشد باورهای دینی و مذهبی (محمدی مقدم، ۱۳۹۶، ص. ۲۲).

شایان ذکر است که درونی‌سازی ارزش اسلامی عفاف، روندی تدریجی دارد که از خانواده آغاز می‌شود و در مدرسه و دانشگاه ادامه می‌یابد (سالاری‌فر، بیاتی و سالاری‌پور، ۱۳۹۶، ص. ۹۶). در عصر حاضر، پرداختن به تربیت جنسی و عفاف‌گرایی در مدارس اهمیت فراوان دارد؛ زیرا عواملی همچون کنجکاوی مخاطبان، و شکسته‌شدن دیوارهای حفاظتی از طریق امواج ماهواره‌ها و اینترنت و محتوای پیامک‌ها و کلیپ‌های ارسالی توسط موبایل‌ها و... باعث افزایش یافتن ضرورت انتقال مطالب مفید و شفاف جنسی به مخاطبان نظام آموزشی می‌شود (اسلامیان، سعیدی رضوانی و غفاری، ۱۳۹۸، ص. ۱۷۶). درواقع، بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی، ناشی از طغیان تمایلات جنسی هستند که سبب برهم‌خوردن نظم اجتماعی و به‌خطراتادن سلامت جامعه می‌شود (حسینی خیرآبادی، مؤمنی مهمویی و راعی، ۱۴۰۱، ص. ۸۱)؛ از این روی، با توجه به ناتوانی خانواده‌ها در تربیت جنسی فرزندان (ابراهیمی هرستانی، مهرام و لیاقت‌دار، ۱۳۹۴، ص. ۲۸)، استقبال نامناسب از این وجه تربیت درمیان خانواده‌های ایرانی و به‌خصوص پدران (رضوی‌نژاد و موسوی، ۱۴۰۲، ص. ۳۴-۳۵) و با نظر به این مسئله که مدرسه، نهادی رسمی و تربیتی است که فرزندان این سرزمین، زمان زیادی را در آنجا به‌سر می‌برند، نقش خانواده-مدرسه در برنامه‌داری تربیت جنسی در ایران مطرح می‌شود (حجازی، قادری، صادقی، صمدی و نیکنام، ۱۴۰۱، ص. ۶۴).

به‌اعتقاد کارشناسان، در حال حاضر، وضعیت تربیت نسل جوان و نوجوان در کشور ما با وضع مطلوب فاصله‌ای چشمگیر دارد و بنابراین نمی‌توانیم به ثمره‌ای مطلوب از دستگاه

تعلیم و تربیت دست یابیم (یوسفی‌کیا، وجدانی و محمص، ۱۴۰۱، ص. ۲۸۸)؛ اما یکی از دغدغه‌های اساسی در روند تربیت، عبارت است از عامل تربیت‌کننده که باید متربی را تربیت کند (سلمانی، ۱۳۹۶، ص. ۵). در اندیشه دینی، نقش مربی اهمیت فراوان دارد؛ به‌گونه‌ای که خداوند متعال در قرآن کریم، صراحتاً انسان‌ها را به پذیرش مربیگری افرادی فرمان داده است که صلاحیت‌های لازم را کسب کرده‌اند (شهریار و نجفی، ۱۳۹۸، ص. ۲۰۰)؛ به عبارت دیگر، با توجه به اینکه تربیت، امری دائمی و بدون نقطه پایانی است، مربی باید همواره در حال فراگیری و اکتساب ویژگی‌های حرفه‌ای خود باشد (فیاضی، رامشت و صداقت‌زاده، ۱۴۰۲، ص. ۱۹۵). در خصوص تربیت جنسی نیز مربیان باید افرادی آگاه درباره مسائل جنسی باشند تا بتوانند اطلاعات را با اطمینان کامل عرضه کنند؛ زیرا آنان نقش اصلی را در تعیین موفقیت این موضوع ایفا می‌کنند (Balakrishnan and Singh, 2023, p. 1483) و به‌علت حساسیت مسئله، پرورش عفاف‌گرایی و تربیت جنسی را نمی‌توان برعهده هرکسی گذاشت (فلکیان، ۱۳۹۶).

بدین ترتیب، مسئله اساسی پژوهش حاضر این است که تجارب زیسته مربیان عفاف‌گرایی واکاوی و عوامل پیش‌برنده و بازدارنده فعالیت آنان شناسایی شود؛ زیرا تجربه زیسته^۱ عبارت از تجربه‌ای بی‌واسطه و حضوری از وقایع است که اطلاعات دقیق‌تری را در خصوص تجربه دست‌دوم که با واسطه حاصل می‌شود، عرضه می‌کند. بررسی پیشینه مربوط به تجارب زیسته نشان می‌دهد یافته‌های به‌دست‌آمده با استفاده از این روش، عمق و غنای بیشتری دارند؛ زیرا افراد در تجربه زیسته به‌جای استناد به اطلاعات علمی و بیان کردن احساسات شخصی‌شان، تجربیات درونی خود را عرضه می‌کنند. مروری بر پژوهش‌های صورت‌گرفته نشان می‌دهد در این زمینه، تحقیق‌هایی چندان قابل توجه انجام نشده است؛ باوجود آن، در اینجا برخی نتایج پژوهش‌های نسبتاً مرتبط با موضوع این مقاله را ذکر می‌کنیم:

رام و محمدنژاد^۲ (2020) در پژوهشی کیفی در فیجی، ادراک معلمان درباره تربیت جنسی در مدارس متوسطه را بررسی کرده‌اند. در این مطالعه، آنان معلمانی را انتخاب

1. Erlebnis
2. Ram and Mohammadenzhad

کردند که حداقل دو سال سابقه تربیت جنسی در مدارس را داشتند. اطلاعات حاصل از پنج بحث گروهی متمرکز و پرسشنامه‌ای نیمه‌ساختاریافته در میان گروه‌های طبقه‌بندی شده براساس جنسیت نشان می‌دهد آموزش‌های صورت گرفته در این مدرسه‌ها مبهم است و از جامعیت کافی برخوردار نیست. معلمان مورد بررسی، مدارس را مکانی ایدئال برای تربیت جنسی دانش‌آموزان دانسته‌اند؛ اما به دلیل کمبود اطلاعات و مهارت‌های کافی، ترس از واکنش منفی والدین، احساس ناراحتی هنگام بیان موضوعات حساس و در بیشتر موارد، احساس نگرانی هنگام صحبت کردن درباره مسائل جنسی نتوانسته‌اند به صورت مداوم، این برنامه را اجرا کنند.

معصومی (۱۳۹۸) در پژوهشی به منظور تشخیص دادن نیازهای آموزش مربیان پیش‌دبستانی برای تربیت جنسی نوآموزان، تجربه زیسته مربیان را بررسی کرده و به شش نیاز مربیان بدین شرح در خصوص نوآموزان دست یافته است: مشکلات مربوط به درک‌نشدن حریم خصوصی، مشکلات مربوط به مواجهه با کنجکاوی‌ها و سؤالات جنسی، مشکلات خودتحریکی یا خودارضایی، مشکلات جداسازی محل خواب کودک از والدین، مشکلات رایج در توالترفتن و تدقیق آداب حمام‌رفتن.

سعیدی رضوانی، غلامی و باقری (۱۳۹۸) در پژوهشی به منظور شناسایی شایستگی‌های کانونی مربیان تربیت جنسی، از روش پنج‌مرحله‌ای بیهام و مایر بهره گرفته‌اند. جامعه پژوهش آنان کلیه متخصصان و مربیان تربیت جنسی در استان خراسان رضوی را شامل می‌شود و در پی بررسی منابع مکتوب، در خصوص شایستگی‌های کانونی مربیان و یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها و پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها شایستگی‌های مربیان تربیت جنسی در قالب شانزده مضمون و پنج محور با عناوینی بدین شرح کشف شده است: ویژگی‌های پایه موردنیاز مربی، مباحث نظری موردنیاز مربی، مباحث مربوط به تبیین و توصیف آسیب‌های جنسی، باورهای موردنیاز در تربیت جنسی و مهارت‌های موردنیاز برای مربی تربیت جنسی.

نتایج پژوهش دیگری که یاری دهنوی و ابراهیمی شاه‌آبادی (۱۳۹۵) انجام داده‌اند، نشان می‌دهد مهم‌ترین دلایل نامطلوب بودن تربیت جنسی در جامعه عبارت‌اند از:

عمل نکردن متصدیان تربیت به اصول اخلاق جنسی و ضعف شدید آگاهی آن‌ها از نحوه تحقیق‌یافتن تربیت جنسی.

در پی بررسی پژوهش‌های صورت‌گرفته در ارتباط با موضوع این مقاله مشاهده شد که در کمتر پژوهشی به تجارب زیسته، پیشران‌ها و چالش‌های حرفه‌مربیگری عفاف‌گرایی پرداخته شده است و از این روی، بررسی تجارب زیسته مربیان عفاف‌گرایی و مؤلفه‌های مؤثر بر قوت و ضعف آن‌ها به‌منظور گسترش فرهنگ عفاف اهمیت فراوان دارد؛ بنابراین، در پژوهش حاضر کوشیده‌ایم با بهره‌گیری از تجارب زیسته مربیان عفاف‌گرایی، عوامل پیش‌برنده و بازدارنده‌مربیگری در این حیطه را کشف کنیم.

روش پژوهش

با توجه به ماهیت پدیده موردبررسی، پژوهش حاضر درزمره تحقیق‌های کاربردی قرار می‌گیرد که با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی توصیفی، تبیین، تفسیر و کشف تجارب زیسته مربیان عفاف‌گرایی^۱ موردنظر است. از آنجا که پدیده پرورش عفاف‌گرایی و تربیت جنسی، مقوله‌ای چندبعدی (جسمی، روانی و اجتماعی) است و باید به‌صورت عمیق واکاوی شود و توجه به تجارب افراد در ابعاد مکانی، زمانی و روابط انسانی نیز اهمیت فراوان دارد، روش پدیدارشناسی را انتخاب کردیم. پدیدارشناسی، نوعی تحقیق کیفی است که در آن بر مطالعه تجربیات زیسته فردی در جهان تمرکز می‌شود (Neubauer, Witkop, 2019, p. 90). در واقع، پدیدارشناسی عبارت از «مطالعه معنای پدیده‌ها یا مطالعه امر خاص» تعریف می‌شود (Tenny, Brannan, Brannan and Sharts-Hopko, 2021)؛ همچنین با توجه به ضرورت استفاده از دیدگاه‌های گروه‌های متنوع مشارکت‌کنندگان، درخصوص تجربه‌های زیسته حرفه‌مربیگری عفاف‌گرایی، از روش نمونه‌گیری کیفی هدفمند با عنوان «با حداکثر تنوع» استفاده کرده‌ایم. در این نمونه‌گیری، انتخاب شرکت‌کنندگان براساس طیفی گسترده از تنوع در زمینه مورد مطالعه صورت

۱. این مربیان، همگی طلبه‌هایی هستند که از طرف سازمان تبلیغات اسلامی و کانون فرهنگی تربیت امین مشهد مقدس، در قالب فعالیتی تقریباً جهادی به مدارس ابتدایی و متوسطه (دختران و پسران) وارد شده‌اند و بنابر میزان همکاری مدیر و مسئولان آموزش و پرورش نواحی، به‌طور میانگین، سه تا پنج نوبت، جلساتی را با دانش‌آموزان و والدین آنان به‌صورت مجزا و با محوریت گفت‌وگو با مربیان عفاف برگزار می‌کنند.

2. Maximum Variation

می‌گیرد (Moser and Korstjens, 2018)؛ از این روی، در پژوهش حاضر، برای رسیدن به نمونه با حداکثر تنوع کوشیده‌ایم مربیان مشارکت‌کننده، به لحاظ موقعیت جغرافیایی مربیگری در سطح شهر و همچنین روحیات اخلاقی، جنس، سن و سابقه فعالیت با یکدیگر تفاوت داشته باشند. پژوهشگران با هفده مربی به شرح جدول ۱، با استفاده از روش نیمه‌ساختاریافته مصاحبه کردند.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

عنوان	فراوانی	درصد	تعداد
جنس	مرد	۴۱ درصد	۱۷
	زن	۵۹ درصد	
تحصیلات	کارشناسی	۵۳ درصد	
	کارشناسی ارشد	۴۷ درصد	
سابقه فعالیت	۲ تا ۵ سال	۵۳ درصد	
	۵ تا ۱۰ سال	۴۷ درصد	

جامعه آماری این پژوهش، مربیان عفاف‌گرایی شهر مشهد را شامل می‌شود که به صورت هدفمند انتخاب شدند و با آن‌ها مصاحبه صورت گرفت. با توجه به معیار اشباع داده‌ها و تکرار اطلاعات، با هفده نفر از این افراد، مصاحبه‌ای نیمه‌ساختاریافته انجام شد. در این مصاحبه تلاش کردیم محتوای سؤالات به گونه‌ای باشد که به کشف یافته‌های حداکثری درخصوص عوامل پیش‌برنده و بازدارنده فعالیت مربیان عفاف‌گرایی بینجامد. محورهای سؤالات مصاحبه براساس ادبیات نظری، یافته‌های علمی پژوهش‌های پیشین، و تجربیات و مشاهدات پژوهشگران تدوین شد و هدف از طراحی محوری‌ترین پرسش پژوهش، دستیابی به تجارب مربیان عفاف‌گرایی از فعالیت در مدارس، مؤسسات آموزشی و فرهنگی، و مساجد، و ارتباط با دانش‌آموزان، والدین و مسئولان مدارس بود. زمان مصاحبه‌های

۱. در مواقعی نظیر ناهماهنگی با مدیران و مسئولان آموزش و پرورش و درخواست خانواده‌ها یا همکاری هیئت‌امنانی مساجد، در برخی مساجد مناطق مختلف شهر مشهد، طی یک تا چند جلسه، کلاس‌هایی به منظور پیشگیری از ناهنجاری کودکان و نوجوانان (خویش‌داری، ندیدن و نشنیدن محتوای فسادانگیز، لزوم انجام دادن غسل در صورت نیاز، پرهیز از خودارضایی، واردنشدن به روابط دوستی با جنس مخالف و...) و آگاه‌سازی والدین برگزار می‌شود.

صورت گرفته به‌طور میانگین، از سی تا چهل دقیقه متغیر بود و در مواردی براساس وضعیت مصاحبه و علاقهٔ مصاحبه‌شوندگان، این فرایند تا شصت دقیقه نیز ادامه یافت. تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از مصاحبه براساس روش کدگذاری استراوس و کوربین^۱ (۱۳۹۱)، طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی به‌صورت دستی انجام شد. در مرحلهٔ کدگذاری باز، در مجموع، ۱۰۳ مفهوم^۲ نوشته شد و در مرحلهٔ دوم کدگذاری، مفاهیم دسته‌بندی شدند و در قالب ۲۱ مقوله^۳ جای گرفتند. سرانجام، پس از بررسی و تحلیل داده‌ها، و تطابق و مقایسهٔ آن‌ها با مبانی نظری، مقوله‌های به‌دست‌آمده ذیل شش مضمون^۴ قرار گرفتند. روایی و اعتبار ابزار و یافته‌ها در تمام مراحل پژوهش، اعم از اجرا و تحلیل داده‌ها مدنظر قرار گرفت و اعتبار داده‌ها نیز در طول فرایند پژوهش از طریق «تکنیک تأیید همتایان پژوهشی» و «خودبازبینی مکرر داده‌ها» ارزیابی شد. خودبازبینی محققان طی فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها یکی از روش‌های افزایش قابلیت اعتبار در پژوهش‌های کیفی است (عباس‌زاده، ۱۳۹۱، ص. ۲۴).

یافته‌ها

با توجه به هدف پژوهش و به‌منظور دستیابی به فهرستی جامع از پیش‌برنده‌ها و بازدارنده‌های حرفهٔ مربیگری برای مربیان عفاف‌گرایی، بعداز مصاحبه با مربیان این حوزه و تحلیل اطلاعات، فهرستی مشتمل بر ۱۰۳ مفهوم، ۲۱ مقوله و شش مضمون به شرح جدول ۲ استخراج و طبقه‌بندی شد:

-
1. Strauss and Corbin
 2. Concept
 3. Category
 4. Themes

جدول ۲. مضامین، مقوله‌ها، مفاهیم و گزیده‌های از نمونه‌روایت‌های مطرح‌شده از سوی مربیان

مضمون ۱. پیش‌برنده‌های فردی ^۱	مقوله‌ها	مفاهیم	نمونه‌روایت
م ۱: منِ مربی باید مراقب باشم؛ خودساخته باشم. مهم است چه همسری و چه مادری هستم.	مراقبت از نفس		
م ۱۱: همیشه سر کلاس که می‌روم، می‌گویم باشد برای رضای خدا.	در نظر گرفتن رضایت خدا		
م ۴: می‌خواهم با بچه صحبت کنم، چگونه کلمه‌ای را به کار ببرم که هم قیح‌شکنی نشود، هم مسئله مطرح بشود؟ باید در ادبیات روزانه خودم مراقبت کنم که لازمه آن، تقوا است.	رعایت تقوا		
م ۵: اگر در فضای مجازی خودم، دچار آسیب هستم و خودم را نمی‌توانم کنترل کنم و دچار یک‌سری از گناهان شوم، اصلاً سختم تأثیری نمی‌گذارد.	خویش‌تن‌دار بودن		
م ۱۶: خیلی موارد نتوانستم که بچه‌ها را از خودارضایی بیندازم؛ ولی با صبر و سعه صدر توانستم مدت‌ش را کم کنم و با ارائه راهکار، دفعاتش را در طول هفته کم کنم.	برخوررداری از سعه صدر		
م ۱۱: بچه‌های مردم را مثل بچه خودم می‌بینم. اگر بینم بچه‌ای خلاف می‌کند، عین اینکه برای بچه خودم جوش می‌زنم و برای اصلاح او خودم را به آب و آتش می‌زنم، برای او هم همین‌طور.	دلسوزی و نگرانی از موقعیت نامطلوب مخاطب		
م ۱: بچه‌ها وقتی من را می‌بینند، همه حرف‌هایشان را می‌زنند. وقتی دیدم که حرف‌ها زیاد شد، گفتم که این‌ها را برای من بنویسید و در این صندوق در دلدل بیندازید.	قابل اعتماد بودن		
م ۵: برخی والدین می‌گویند: «چقدر شما بی‌تربیت هستید! چرا این مسائل را به بچه‌های ما می‌گویید؟ چشم و گوش بچه ما باز می‌شود!»؛ اما نادیده می‌گیرم. ^۲	تحمل ناملازمات مخاطبان		
م ۴: دانش‌آموزی پرسید: «منی یعنی چه؟». فضای کلاس سنگین شده بود. یک عده می‌دانستند و منتظر پاسخ بودند و یک عده هم	برخوررداری از عفت کلام		

روایت‌های اعتقادی و اخلاقی

۱. تأهل و دارای فرزند بودنِ مربی، جهت بینش بیشتر به مسائل، مفهومی بود که از سوی برخی مشارکت‌کنندگان اذعان شد؛ اما به دلایلی در هیچ‌یک از مقوله‌ها و مضامین تدوین‌شده جای نگرفت.

۲. مربی

۳. برخی والدین، مطرح‌کردن آداب اسلامی و بهداشتی غسل واجب برای فرزند نوجوانشان را بر نمی‌تابند.

نمی‌دانستند. طوری پاسخ دادم که هم حفظ حیا شد و هم دروغ نگفتم.		
م ۷: اگر قبلاً خانمی می‌آمد و از خیانت می‌گفت، ناخودآگاه، همان قسمت را می‌چسبیدم؛ اما الان به آدم‌ها به چشم خطاکار نگاه نمی‌کنم. او خطایش را کرده و برای بازخواست پیش من نیامده است.	پرهیز از عیب‌جویی و سرزنش	
م ۸: من هم یک مادرم. اگر به زمینهٔ آسیب‌ها و پیامدهای غیراخلاقی موجود در جامعه توجه نکنم و فقط بروم وظیفه‌ام را به‌خاطر همان پوشیز بی‌ارزش دنیا انجام بدهم، خیلی کاربرد ندارد.	خدمتگزاری و احساس تعهد	
م ۱۴: انسان‌ها قابل تغییرند. هرکسی می‌تواند تغییر کند. اگر خصلت‌ها صدتا باشد، پنجاه‌تای آن‌ها اکتسابی است.	خوش‌بینی و باورداشتن به تغییر‌پذیری مخاطب	
م ۱۶: وسط اجرا برق رفته و یا از اول پاورپوینت نداشتم، یک‌دفعه‌ای مطلب از دستم دررفته و فرمت شدم. گفتم: «صلوات بفرستید!» و یک توسل و بعد مطالب می‌آمد.	باورداشتن به توسل و توکل	
م ۱۲: مخاطب سؤالی می‌پرسد و متوجه می‌شوم که پشت این سؤال، ده سؤال دیگر هم هست؛ اما او نمی‌پرسد؛ ولی من که فهمیدم، باید آن سؤال‌هایی را که هنوز نپرسیده، جواب بدهم.	دغدغه‌مندبودن و اهمیت‌دادن به نیاز مخاطب	
م ۱۴: خدا آن‌قدر کمک می‌کند که حد ندارد! او می‌خواهد بنده‌اش به‌سمت او برگردد.	باورداشتن به بخشش خطاکار	
م ۵: دختری اشک می‌ریخت و می‌گفت: «شماها مقصر هستید! اگر این مباحث در دورهٔ راهنمایی به من گفته می‌شد، زندگی‌ام را از دست نمی‌دادم!»	درک اهمیت تربیت جنسی برای پیشگیری از انحرافات جنسی	درک اهمیت تربیت جنسی و ضرورت آن
م ۱۰: خیلی از دخترها که در مقطع متوسطهٔ دوم هستند، می‌آیند و گریه می‌کنند و می‌گویند: «کاش زودتر می‌آمدید! کاش آسیب‌های روابط دختر و پسر را دورهٔ اول به ما می‌گفتید!»	اعتراض مخاطبان به تأخیر در برگزاری جلسات تربیت جنسی	
مضمون ۲. پیش‌برنده‌های تعاملی		
	مفاهیم	مقوله‌ها
م ۲: وقتی به جلسات می‌روم، خانم‌ها می‌گویند: «خانم! ما با شما خیلی جور می‌شویم. شما خیلی خوش‌برخورد هستید.»	برقرارکردن ارتباط مؤثر با مخاطب	برقراری ارتباط مؤثر
م ۱۱: ما باید خودمان را مربا کنیم. آن‌قدر شیرین شویم که در دل آن شنونده‌ای که یک روز و یک ساعت با ما بوده، بنشینیم تا با ما حرف بزند.	نفوذ به ذهن و دل مخاطب	برقرارکردن ارتباط مؤثر

<p>م ۷: وقتی با دخترها صحبت می‌کنم، خودم را جای دختر پانزده‌ساله می‌گذارم و از بالا به آن‌ها نگاه نمی‌کنم.</p>	<p>توانایی همدلی با مخاطب</p>
<p>م ۱۲: کلاسی نیست که بعد از اتمام آن، پدر و مادرها مراجعه نکنند. من دیدم که مربی بعد از کلاس، سریع کیفیتش را جمع می‌کند و قبل از اینکه بقیه بلند شوند، می‌رود.</p>	<p>اختصاص‌دهی زمان به مراجعان</p>
<p>م ۵: می‌گویم: «موسیقی با صدا و ریتم بالا افسردگی می‌آورد». می‌گوید: «من شاد می‌شوم». یک‌سری گزاره‌ها از خود موسیقی‌دانان و نوازندگان غربی می‌آورم که می‌گویند موسیقی به ما جنون داده؛ باز می‌گوید: «شاد می‌شوم؛ دوستانم هم شاد می‌شوند؛ اصلاً اوقات فراغتم با موسیقی پر می‌شود». ادامه می‌دهم؛ اما بحث نمی‌کنم.</p>	<p>پرهیز از جدل در بحث</p>
<p>م ۳: بعضی‌ها در کلاس با برخی از سؤالات مخاطب (در اینجا مادر)، جوری برخورد می‌کنند که: «ای وای! انگار چه شده!». ما باید اجازه بدهیم که طرف مقابل صحبتش را بگوید.</p>	<p>نشان‌دادن واکنش صحیح در برابر سؤال مخاطب</p>
<p>م ۵: با دانش‌آموزانم می‌گویم و می‌خندم و اگر آن‌ها دو جوک بگویند، من چهار می‌گویم؛ اما وقتی وارد گناه بزرگی مثل زنا یا خودارضایی شدیم، با شوخی نکردن سعی می‌کنم که قبح گناه ریخته نشود.</p>	<p>دوری از مزاح و خنده نابجا هنگام بیان کردن مسائل جنسی</p>
<p>م ۱۰: سعی می‌کنم طوری با مخاطبم رفتار کنم که فکر نکند که اگر مشکلم را بگوید، اولین و آخرین نفری است که این مشکل را دارد.</p>	<p>ایجاد امید در مخاطب</p>
<p>م ۵: اول، اعتماد بچه‌ها را جلب می‌کنم و با بچه‌ها رفیق می‌شوم که آن‌ها متوجه بشوند که آن‌ها را درک می‌کنم؛ بعد یک‌سری دغدغه‌ها را مطرح می‌کنم و سؤال در ذهنشان ایجاد می‌کنم.</p>	<p>مشخص کردن ضرورت بیان مباحث برای مخاطب</p>
<p>م ۷: وقتی وارد کلاس می‌شوم، اگر همان اول بگویم حجاب، بچه‌ها می‌گویند: «باز شروع شد!»؛ بگویم عفاف، می‌گویند: «باز دوباره!»؛ اما وقتی از یک مبحثی شروع کنم که آن‌ها دوست دارند، خوب می‌شود.</p>	<p>شروع کردن مباحث با توجه به علاقه مخاطب</p>
<p>م ۱۳: خیلی جاها که برای صحبت می‌روم، فقط ایجاد انگیزه است. اینکه مادر را به فکر ببرم؛ اینکه مادر بعد از جلسات به این فکر کند که «وقتی بچه‌اش خواب است، جای او راحت است؟ مشکلی ندارد؟».</p>	<p>ایجاد انگیزه و به فکر واداشتن مخاطب</p>
<p>م ۱۴: بچه‌ها از مقنعه چانه‌دار من می‌ترسند. من با خودم لباس رنگی می‌برم، ساق دست‌هایم را درمی‌آورم و آستین‌هایم را هم</p>	<p>انجام‌دادن فعالیت‌های عینی جهت جذب</p>

<p>مخاطب کمی بالا می‌دهم. یک‌خُرده کارهای بچگانه انجام می‌دهم تا این‌ها خوششان بیاید و مشکلاتشان را به من بگویند.</p>	
<p>م ۹: گاهی می‌بینم که افراد علی‌الظاهر، مذهبی‌تر هستند، خُب، مباحث و آیات و روایات را تقویت می‌کنم؛ ولی گاهی ظاهرها نشان می‌دهد که مذهبی نیستند و مباحث عقلی را لحاظ می‌کنم.</p>	<p>انتخاب نوع مباحث با توجه به ظاهر مخاطب</p>
<p>م ۱۴: می‌پرسم که: «شما مادران کلاس چندمی‌ها هستید؟» بعد از دفترم تعیین می‌کنم که برای چهارمی‌ها، پنجمی‌ها و یا ششمی‌ها کدام مبحث را بگویم یا از همان اول به مدیر می‌گویم که: «والدین را طوری بچینید که همه یکدست باشند».</p>	<p>لزوم درک نیازها و مسائل دانش‌آموزان در پایه‌های مختلف از سوی والدین آن‌ها</p>
<p>م ۱۵: به هر مدرسه‌ای که می‌خواهم بروم، سعی می‌کنم اول با مسئولان آن مدرسه، جلسه‌ای داشته باشم درخصوص اینکه بیشترین مشکلی که دانش‌آموزانشان دارند، چیست.</p>	<p>انتخاب کردن مباحث متناسب با نوع و نیاز مخاطب</p>
<p>م ۱۶: وقتی می‌خواهم در جمعی صحبت کنم که سطح سوادشان پایین است، از کلمات قلمبه و سلمبه استفاده نمی‌کنم و اگر قشر باسواد هستند، طوری برنامه‌ریزی می‌کنم که تعداد محتواهایم بالاتر برود و مقدار توضیح‌دادنم پایین.</p>	<p>تنظیم نوع محتوا متناسب با سطح سواد، آگاهی، پیش و اعتقاد مخاطب</p>
<p>م ۵: در میرزاکوچک‌خان که خانواده‌ها مذهبی هستند، می‌گویم: «مادر چادری، خواهر چادری» و چقدر بد است که فلان و فلان و این‌ها را بچه‌ها درک می‌کنند؛ اما آیا در مدرسه‌ای در خیام که عمدتاً پوشش مانتو دارند، می‌توانم دوباره این حرف را بزنم؟</p>	<p>آگاهی از جامعه هدف و زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مخاطب</p>
<p>م ۱۲: به فلان منطقه که می‌روم، تمرکز را بیشتر روی بحث عاطفی می‌گذارم؛ چون خانواده‌های طلاق هستند و اعتیاد، و مشخص است که مخاطب من درگیر چه چیزهایی است. محتواهایم بیشتر روی محبت به بچه‌ها است؛ نه پوشش؛ اما در منطقه بهمان می‌بینیم که خانواده‌ها در محبت افراط می‌کنند.</p>	<p>شناخت آسیب‌های غالب در هر منطقه شهری</p>
<p>م ۵: این جلسات، کلاس نیست؛ منبر نیست؛ سخنرانی نیست؛ کارگاه است؛ یعنی حتی اگر خود طرف وارد بحث نمی‌شود، من به‌زور هم که شده، او را وارد بحث می‌کنم تا ببینم در ذهن او چه می‌گذرد.</p>	<p>تلاش برای تحقق بخشیدن مشارکت تعاملی مخاطب</p>
<p>م ۹: سعی می‌کنم خشت اول را بچینم و این را از خود مخاطب</p>	<p>بیان تدریجی نکات آموزشی</p>

و رعایت کردن توالی زمانی در عرضه محتوا	می‌پرسم و وقتی می‌بینم که آن اقناع فکری در او ایجاد شده، وارد مرحله بعدی می‌شوم. پله پله جلو می‌روم.
جانداختن موضوع در ذهن مخاطب	م ۱۲: اگر در کلاس فقط یک موضوع، مثلاً بحث رسانه را جا بیندازم و اثرش را هم در مخاطب ببینم، برایم کافی است؛ به طوری که بگویند: «ما می‌رویم و ماهواره‌مان را جمع می‌کنیم یا سعی می‌کنیم کامپیوترمان را در حال بگذاریم».
توجه به پذیرش مطالب از سوی مخاطب	م ۹: جلساتم به صورت گفتمان است. می‌گویم: «این بحث را که مطرح کردم، قبول می‌کنید؟ اگر قبول نکردید، شبهه‌تان چیست؟ سؤالتان چیست؟».
شنونده خوبی بودن برای مخاطب	م ۸: من با جان و دل، و خواهرانه به حرف مخاطبانم گوش می‌کنم. حالا در هر برنامه‌ای که می‌خواهد، باشد؛ می‌خواهد مدارس باشد؛ مساجد باشد یا جاهای دیگر.
خردورزی و برخورداری بودن از قدرت مذاکره	م ۵: می‌گویم: «اگر خلوت داشته باشید، تحریک می‌شوید». می‌گوید: «مهم نیست. تحریک نمی‌شوم». می‌گویم: «آیا خدا می‌خواهد فلسفه تربیتی و رفتاری انسان، این طور باشد؟ یا به جنس مخالف، واکنش نشان بدهد؟».
عرضه کردن استدلال‌های عقلی و منطقی برای مخاطب	م ۹: در مورد حجاب می‌گویم: «یک خانمی که خدا به او نعمت زیبایی داده است، اگر بر اساس وجدان خودش بخواهد عمل کند، آیا راضی است که با جلوه‌گری‌اش مثلاً یک مردی که تازه خانواده تشکیل داده را نسبت به کانون خانواده سرد کند؟».
استفاده از نظرات افراد بنام برای تأکید بیشتر بر مطلب	م ۱۷: یک نویسنده بنام و از بهترین روان‌شناسان غرب که حتی اسلام را یک خرافات می‌داند، ناخودآگاه حرف‌هایی را می‌زند که عیناً پیغمبر یا آقا امیرالمؤمنین فرمودند و شاید او اطلاع ندارد که این حرف ۱۵۰۰ سال پیش زده شده است.
تمایل والدین برای برگزار کردن جلسات تربیت جنسی	م ۵: والدین می‌گویند: «خیلی دیر آمدید! خیلی بد است که این کلاس‌ها را کم می‌گذارید!». زیاد می‌شود که مادری یا پدری آمده و با تشر گفته: «بچه ما فرق کرده است! چرا ریاضی‌اش هفته‌ای چند جلسه است و این کلاس‌ها سالی پنج جلسه؟».
شناخت والدین از طریق عرضه کردن دیدگاه‌های	م ۱۲: بچه‌ها الان، هیچ چیز به پدر و مادرشان نمی‌گویند. در مدرسی که برای هر دو گروه والدین و دانش‌آموزان بروم، می‌توانم

واکاوی تجارب زیستهٔ مربیان عفاف‌گرایی... / محمود سعیدی رضوانی و فاطمه غلامی ۱۹

فرزندان	بعضی از حرف‌ها را به والدین انعکاس بدهم؛ چون خیلی از بچه‌ها هستند که از فضای خانواده می‌نالند و برعکس آن هم هست.	
آگاه‌کردن والدین از اهمیت تربیت جنسی	م ۶: دختر دانش‌آموزی به من گفت: «تو را به خدا بحث جدایی رختخواب پدر و مادر را بگویند! من دو برادر ۲۵ ساله و ۲۳ ساله دارم. ما همه یک جا می‌خوابیم و...».	
مطلع‌کردن والدین از نیازهای دانش‌آموزان	م ۱۲: نوجوان آمده و گفته که «مادر من و یا خواهرم این پوشش را در خانه دارد. من ناراحت هستم و اذیت می‌شوم».	
لزوم برگزارکردن جلسات تربیت جنسی برای والدین	م ۴: خانواده از مخفی‌ها و حیاط‌خلوت‌های ذهنی فرزندش خبر ندارد. پدر و مادران که غالباً در خانه نیستند، نمی‌دانند که در ذهن بچه‌شان چه می‌گذرد.	
مضمون ۳. پیش‌برنده‌های دانشی و مهارتی		
مقوله‌ها	مفاهیم	نمونه‌روایت
آمادگی برای تدریس	انجام‌دادن پیش‌مطالعه قبل از برگزارشدن جلسات	م ۷: با وجود تسلط به مباحث، بازهم قبل از هر جلسه، مباحثی را که قرار است مطرح شود را مطالعه می‌کنم. با خودم فکر می‌کنم: «نکند حرفی بزنم که آسیبی به خانواده‌ای، بچه‌ای یا به پدر و مادر برسد!».
	فراگیری مهارت‌های تدریس و فن بیان	م ۱۵: اینکه من فقط با یک تن صدا و با یک نحوهٔ اجرا شروع به کار کنم، کسل‌کننده می‌شود و آن کشش و بازخورد مطلوب را نخواهد داشت.
	تمرین اجرا قبل از حضور در کلاس	م ۱۶: قبل از اینکه برای اجرا بروم، چندین بار جلوی آینه یا داخل اتاق اجرا می‌کنم. آن‌قدر اجرا کردم، با حرکات و زبان بدنم صحبت کردم و خودم را دیدم که توانستم در کلاس‌ها نمایش بازی کنم.
آینهٔ عملی روش‌های متنوع تدریس	ضرورت قصه‌گویی و استفاده از الگوسازی	م ۹: همیشه آخر مباحثم خانم‌هایی را که در غرب به سمت عفاف آمدند را مثال می‌زنم؛ یعنی فلانی بازیگر بوده، خواننده بوده، مدل و یا مجری تلویزیون بوده است و این موارد بسیار تأثیرگذار است.
	بیان تمثیل و تجربه‌هایی نزدیک به تجارب مخاطب	م ۲: از مثال‌هایی استفاده می‌کنم که در خود مشهد اتفاق افتاده؛ مثلاً در فلان مدرسه، چیزی را از بچه‌ها دیدم و تبعات آن را در مدارس دیگر می‌گویم. چیزهایی را می‌گویم که واقعی و به وضعیت آن‌ها نزدیک باشد.

<p>م ۱۵: مباحث را با پاورپوینت پیش می‌برم و بعضی جاها پاور را بیشتر رنگ‌ولعاب می‌دهم و فیلم و عکس هم پخش می‌کنم و غالباً کار ما با دیتا است و سمعی - بصری.</p>	<p>استفاده از فناوری اطلاعات</p>
<p>م ۱۲: سعی می‌کنم در هر کلاس، محتواها را جوری بچینم که طرف مقابلم تشنه بماند و گمان نکند که همه حرف‌ها را شنیده است تا برای کلاس‌های بعدی حتماً شرکت کند.</p>	<p>تشنه‌گذاشتن مخاطب</p>
<p>م ۵: در کارگروه عفاف‌گرایی که داشتیم، یک نفر را پیشنهاد دادیم که مسئول جمع‌آوری و آپدیت‌کردن کلیپ‌های متناسب با کار عفاف و پاکدامنی باشد.</p>	<p>استفاده از رسانه‌ها</p>
<p>م ۱۷: برای من خیلی پیش آمده که مخاطب سؤالی داشته و من برای پاسخ به او، از بعضی استادهای خودم و یا اساتیدی که موردتأیید هستند، کمک گرفتم.</p>	<p>مراجعه به افراد متخصص برای دریافت پاسخ برخی سؤالات</p>
<p>م ۹: می‌گویند: «آماره‌ایتان به‌روز نیست. این سایتی که شما گفتید، مستند نیست. این کلیپی که شما دارید، قدیمی است» و به‌روز می‌کنم.</p>	<p>به‌روزکردن آمارها و مستندات</p>
<p>م ۷: اگر من جدا از تربیت جنسی، در تربیت خود فرزند مانده باشم و اطلاعاتم درمورد تربیت بچه، کم باشد که نمی‌شود! مثلاً یکی بگوید: «وقتی که به بچه‌ام می‌گویم: "نماز بخوان"، لجبازی می‌کند».</p>	<p>آشنایی با مبانی و مباحث تربیتی به‌صورت عام</p>
<p>م ۱۵: اگر بتوانم نسبت به موضوعاتی درخصوص خانواده، شخصیت‌شناسی، مشاوره قبل از ازدواج و بعد از ازدواج، آشنایی بیشتر داشته باشم، موفق‌ترم؛ چون کسی که در جلسه نشسته، با شنیدن این‌گونه مباحث آن به‌صورت درست، به من ایمان می‌آورد و هر مشکلی که داشته باشد، مطرح می‌کند.</p>	<p>آشنایی با مسائل اجتماعی و خانوادگی</p>
<p>م ۷: مادری می‌گفت در گذشته با آقای چندین ماه رابطه داشته و بچه سه‌ساله‌اش آن روابط را کامل دیده است. حالا که چند سال گذشته و پشیمان شده، بچه شش‌ساله برمی‌گردد و می‌گوید که: «من دوتا بابا دارم» و در جمع، اسمش را می‌آورد.</p>	<p>آشنایی با مباحث روان‌شناسی کودک</p>
<p>م ۶: باید مدام دنبال مطلب باشیم. خیلی پیگیر هستم و چون خودم وارد نیستم که کلیپ بسازم، با دوستان که در ارتباط هستم، می‌گویم: «اگر مطلب جدید دارید، به من هم بدهید!».</p>	<p>آشنایی با مسائل روز</p>

افزایش دادن و به‌روز کردن دانش

بخورداری از اطلاعات عمومی

<p>م ۱۵: اگر قبل از اینکه خودم را مجهز به علم تربیت جنسی کرده باشم، وارد اجرا بشوم، به دلیل ناتوانی در پاسخ به سؤالات، اول خودم از ادامهٔ کار ناامید می‌شوم و دوم، اینکه اصلاً برگ بازنده دست من است.</p>	<p>برخورداری از اطلاعات تخصصی تربیت جنسی و فرزندپروری</p>	<p>برخورداری از تخصص تربیت جنسی</p>	
<p>م ۵: طرحی را برای نوجوانان و خانواده‌ها داریم به نام «سینما تربیت» و سینما هویزه هم با ما همکاری می‌کند و به ما سالن می‌دهد و یک‌سری فیلم‌های تربیتی را نمایش می‌دهیم و بیست دقیقه هم نقد تربیتی می‌شود و بلدیم که چطور زیرپوستی مباحث را به خورد مخاطب بدهیم که لذت هم ببرد.</p>	<p>برخورداری از اطلاعات تخصصی رسانه و فضای مجازی</p>		
<p>م ۱۵: مخاطبی که در جلسات ما می‌نشینند، از ما انتظار دارد. نمی‌گوید که تخصص آقای فلانی تربیت جنسی است و بحث همسررداری را دیگر سؤال نکنم.</p>	<p>برخورداری از اطلاعات تخصصی همسررداری</p>		
<p>م ۸: وقتی مسائل علمی هر موضوع را درکنارش بیاوریم و باز کنیم، چون برای مخاطب از نظر علمی و پزشکی، قابل‌درک‌تر است و لمس می‌کند، می‌پذیرد؛ مثل وضو که مثلاً چرا باید آب را خانم‌ها از این قسمت بریزند و آقایان از این قسمت.</p>	<p>توانایی تلفیق آیات، روایات و مباحث اسلامی با یافته‌های علمی</p>	<p>تسلط بر تبیین آموزه‌های اسلامی براساس علم روز</p>	
<p>م ۹: من به مخاطبانی که به دنبال آزادی روابط هستند و آن را با کشورهای دیگر مقایسه می‌کنند، اطلاعاتی از سبک زندگی غربی و آفت‌های آن، تاریخچهٔ حجاب در اروپا و اینکه چه شد که به سمت بی‌حجابی کشیده شدند، ارائه می‌دهم.</p>	<p>توانایی آگاه‌کردن مخاطبان از مسائل و معضلات جنسی غرب</p>		
<p>م ۱۵: به مخاطبینم اطلاعاتی از کشورهایی که از عفاف‌گرایی تبعیت نکردند و اینکه به کجاها کشیده شدند و عده‌ای از آن‌ها نیز الان، سرشان به سنگ خورده و دارند به سمت عفاف‌گرایی برمی‌گردند، ارائه می‌دهم.</p>	<p>توانایی نشان‌دادن اقدامات غرب درخصوص بازگشت به عفاف</p>		
<p>مضمون ۴. بازدارنده‌های دانشی و مهارتی</p>			
<p>م ۱۳: وقت‌هایی مادر می‌آید و مشکلمش را می‌گوید؛ اما نصفه و نیمه می‌گوید یا می‌گوید: «فلانی گفته است» و از زبان خودش نمی‌گوید؛ بعد من هم درک درستی از سؤال او پیدا نمی‌کنم.</p> <p>م ۱۵: از ابتدایی‌ترین جلسات تربیت جنسی پشیمان نیستم؛ ولی</p>	<p>مفاهیم درک ناقص از مشکل مراجعان پاسخ‌دهی ناقص به</p>		<p>مقوله‌ها توانایی در شناختن درک مخاطب</p>

<p>کاش زودتر به یکسری از دانسته‌ها می‌رسیدم تا می‌توانستم با علم بیشتری با مخاطبانم برخورد بکنم و چند راهکار در اختیارشان می‌گذاشتم!</p>	<p>مخاطب</p>
<p>م ۴: پیش آمده که مثلاً فکر می‌کردم درصد دریافت این دانش آموز و یا خانواده‌اش پنجاه است؛ اما وقتی که عمل کردند، متوجه شدم که تا هشتاد درصد هم می‌توانست پیش برود؛ ولی من تا همان پنجاه درصد به او گفتم و اگر بیشتر می‌گفتم، سریع‌تر می‌توانست به جواب برسد.</p>	<p>پی‌نبردن به میزان ظرفیت مخاطب</p>
<p>م ۴: بچه کلاس اول، شلوار دوستش را پایین می‌کشد و...!</p>	<p>ناتوانی در حل معضلات جنسی دانش‌آموزان</p>
<p>م ۵: پسری هفده- هجده‌ساله می‌گفت: «میل بسیاری به جنس موافق دارم». اینکه بخواهم واقعاً ایشان را اقناع بکنم که چطور با این معضلتش در سن کم برخورد بکند و یا اصلاً میل به جنس موافق، قابل درمان هست یا نیست، اطلاعاتی وجود ندارد.</p>	<p>ناتوانی در مواجهه درست با برخی استثنائات جنسی</p>
<p>م ۳: مادری می‌گفت: «پسر من چهارم ابتدایی است و می‌گوید: "چرا من را ختنه کردید؛ ولی آبجی کوچولو را ختنه نمی‌کنید؟"».</p>	<p>ناتوانی در پاسخ‌گویی به برخی سؤالات جنسی والدین</p>
<p>م ۷: برای بچه‌هایی که صحنه‌های خاص جنسی را دیده‌اند، راهکارهای کلی گفته شده است؛ گفته نشده که به بچه‌ای که شاهد خیانت مادرش است، چه باید گفت.</p>	<p>ناتوانی در عرضه راهکار برای پاک‌کردن اذهان بچه‌ها از صحنه‌های جنسی</p>
<p>م ۳: در یک مدرسه ابتدایی دخترانه، عمده سؤالات بچه‌ها این بود که: «بچه از کجا به دنیا می‌آید؟ چطور به دنیا می‌آید؟ اصلاً از کجا بیرون می‌آید؟ اگر یکی ازدواج نکنند، چرا بچه نمی‌آورد؟». جواب بچه پنج‌ساله را راحت می‌توانم بدهم؛ ولی برای بچه ده- یازده‌ساله چطور؟</p>	<p>ناتوانی در پاسخ‌گویی به برخی سؤالات دانش‌آموزان</p>
<p>م ۱۶: برخورد والدین با درخواست‌های فرزندانشان برای حضور در فضای مجازی و گوشی واقعاً باید چطور باشد؟ بچه‌ها اصرار می‌کنند که گوشی داشته باشند، به اینترنت وصل شوند و در فضای مجازی و فضای اجتماعی ورود پیدا کنند.</p>	<p>ناتوانی در توضیح دادن حدود استفاده از فضای مجازی</p>

مضمون ۵. بازدارنده‌های تعاملی		
مقوله‌ها	مفاهیم	نمونه‌روایت
ناتوانی در اقلع دانش‌آموزان	ناتوانی در تفهیم عفت بساوایی	م ۵: گاهی پسر دبیرستانی می‌گوید: «شما که می‌گویید عفت بساوایی و لامسه، من که اصلاً مشکلی در این خصوص ندارم و با روبوسی کردن با دختران تحریک نمی‌شوم؛ مثلاً با دخترعمویم دست می‌دهم و روبوسی می‌کنم؛ ولی برایم مشکلی پیش نمی‌آید».
	ناتوانی در تفهیم بایدها و نبایدهای شنیداری	م ۲: بچه‌ها می‌پرسند: «چرا موسیقی حرام است؟». بعد که دلیل می‌آورم، باز هم می‌گویند: «چرا؟». بعد بزرگ‌ترها و اقوامشان را مثال می‌زنند که فلانی خیلی مؤمن است؛ جلسهٔ قرآن هم می‌رود؛ ولی موسیقی هم گوش می‌کند.
	جبهه‌گیری مخاطب در برابر حجاب	م ۶: دبیرستانی‌ها غالباً جبهه‌گیری می‌کنند؛ مخصوصاً برای حجاب. می‌گویند: «چقدر از حجاب می‌گویید؟ که چی مثلاً؟ خود ما همهٔ این‌ها را می‌دانیم!»؛ با این لحن!
	مقاومت والدین در مقابل اثرات منفی رسانه‌ها	م ۱۲: والدین بحث ماهواره را واکنش نشان می‌دهند. بحث رسانه‌ها را، تلگرام و بازی‌های رایانه‌ای و این‌ها را که برایشان توضیح می‌دهیم، نمی‌توانند زیاد درک کنند؛ مگر اینکه در قالب مثال بگوییم؛ ولی نمی‌دانم باز چرا نمی‌پذیرند.
اقلع سبک زندگی والدین	تفهیم‌نشدن برخی مسائل تربیتی به والدین به دلیل پابندی آنان به تفکرات خود	م ۶: هنگام بیان احکام لمس برای بچه‌های ششمی، دختری با بغض گفت: «هروقت شوهرعمه‌ام می‌آید، مادرم می‌گوید: "با او دست بده!" و من می‌گویم: "نه!"؛ اما مامانم می‌گوید: "برو دست بده و این اداها را از خودت درنیاور!"».
	تفهیم‌نشدن مسائل تربیتی به دلیل فقر و حجمه‌های فرهنگی	م ۱۱: یکی از کلاس‌های دبیرستان دخترانه رفتیم که به باهم بودن مشهور بودند. پدر و مادر آنها معتقد بودند که ماهواره باید باشد و دخترها هم تحت تأثیر همین‌ها می‌گفتند: «در ماهواره، فلان مسائل را باز کردند و توضیح دادند و این رفتارها و روابط برای سلامتی ما خوب است».
	برخوردار نبودن والدین از آگاهی جنسیتی	م ۱۲: پسر بچه چهارده ساله است و مادرش هر روز، او را در آغوش می‌کشد و می‌بوسد. این‌ها را بخواهی جا بیندازی، بعضی‌ها واکنش نشان می‌دهند و هنوز نمی‌خواهند بعضی چیزها را قبول کنند. گمان می‌کنند که این ملاحظات، تدروی است.

<p>م ۲: می بینم که بچه پانزده ساله گوشی دارد و می رود به اینترنت و تلگرام و واتس آپ و موردهای دیگر و یا مثلاً اینستاگرام که وضعش خراب است؛ اما نمی توانم خانواده او را قانع کنم تا با کنترل و محدود کردن فرزندش، از ناهنجاری ها و انحرافات جنسی پیشگیری کند.</p>	<p>ضعیف بودن سواد رسانه ای والدین</p>
<p>م ۱۰: مادری می گفت: «من مواردی را که شما می گوید، جلوی پسر دوازده ساله یا دختر هفت ساله ام رعایت می کنم؛ ولی شوهر من تنها به اندک پوشش لازم در خانه اکتفا می کند. حتی دختر هفت ساله من یک بار به شوهرم که این پوشش اندک را داشت، گفت: "بابا! این چیزی که شما پوشیدید، چنین مشکلی دارد" که آنجا می خواستم که زمین باز شود و بروم داخلش».</p>	<p>رعایت نشدن مسائل تربیتی از سوی یکی از والدین</p>
<p>م ۱۵: بعضی از خانواده ها به خاطر نگرشی که نسبت به این مباحث دارند، اول، اینکه کلاً نسبت به این مسائل و مباحث، منفی نگر هستند و می گویند که ما نباید این مباحث را مطرح کنیم؛ دوم، اینکه اصلاً صحبت کردن یک پدر یا مادر با فرزندش در مورد مسائل جنسی را قبیح می دانند.</p>	<p>نگرش منفی برخی خانواده ها به مباحث حوزه تربیت جنسی</p>
<p>مضمون ۶. بازدارنده های ساختاری و فرهنگی</p>	
	<p>مقوله ها</p>
<p>م ۸: من مربی اگر به تنهایی به همین منابع موجود اکتفا کنم، خیلی چیزی دستم نیست که بخواهم بروم برای مادران مانور بدهم.</p>	<p>مفاهیم کمبود کتاب های مربوط به تربیت جنسی</p>
<p>م ۱۲: اکثر مخاطبین تربیت جنسی، خانم ها هستند و مربی خانم هم کم داریم. آنهایی هم که هستند، همه، توانایی کلاس داری ندارند؛ باز مجبور می شود که آقا سر کلاس برود. حضور آقا در کلاس خانم ها دو صورت دارد: یا باز صحبت می کند که آسیب دارد و اگر بسته صحبت کند، آن چیزی را که می خواهد برساند را نمی تواند.</p>	<p>مفاهیم کمبود مربی متبحر خانم</p>
<p>م ۱۰: آموزش های تربیت جنسی، خیلی مقدماتی است. در یک برهه زمانی، مسئولان به این نتیجه رسیدند که باید یک سری مطالب آماده کنند؛ اما ما مربی ها نیاز بیشتری برای آموزش داریم.</p>	<p>مفاهیم مقدماتی بودن آموزش های مربیان</p>

تأثیر منفی محیط و اطرافیان بر مخاطب	م ۵: دانش‌آموز در دوره‌هایی، چه خانم و چه آقا، وقتی که توجیه می‌شد و تصمیم می‌گرفت که عقیف باشد، می‌گفت که: «محیط، منزل، پدر و مادر و یا خواهر و برادر من محیط امنی را برایم فراهم نمی‌کنند».
انتقاد مدیران از آسیب‌های ناشی از بازبودن مباحث جنسی	م ۱۲: از طرف برخی مدیران، انتقاد هست و بهانه هم برای اینکه سنگ لای چرخ بیندازند، جور است. چون این محتواها باز است، برخی مدیران می‌گویند: «این حرف‌ها خوب نیست! برای ما بد است!» و گزارش می‌دهند.
نگرش‌های ناهمسوی مدیران و اولیای آموزشی	م ۵: مدیر مدرسه با ما بد برخورد می‌کرد و با طعنه می‌گفت: «حاج آقا سال دوهزار و فلان است دیگر! این حرف‌ها را بس کنید! لطفاً تماش کنید!».
انتقاد والدین از بیان‌شدن برخی مطالب اخلاق جنسی برای دانش‌آموزان	م ۴: از طرف خانواده‌ها تحت فشار هستیم. گاهی آن‌قدر فشار می‌آید که دیگر خوابمان نمی‌برد. گاهی هم به آنجا می‌رسیم که اصلاً نگوئیم.
انتقاد والدین به سبب مشکلات اقتصادی و فرهنگی	م ۱۴: گاهی خانواده‌ها به خاطر فقر مالی انتقاد می‌کنند. وقتی که آیهٔ سورهٔ نور را تفسیر می‌کنم که بچه‌ها قبل از ورود به خلوتگاه والدین باید سه بار اجازه بگیرند، برخی می‌گویند که: «ما فقط یک اتاق داریم».
انتقاد از مبنای قرآنی مباحث تربیت جنسی	م ۲: زمانی که بحث را شروع کردم و گفتم: «طبق احادیث و آیات قرآن: "كُلُّهُمْ رَاعٌ وَ كُلُّهُمْ مَسْئُولٌ"، تربیت فرزند باید مسئولانه باشد»، خانمی گفت: «باز قرآن آمد وسط!». لباسش را جمع کرد و بلند شد و رفت بیرون ^۱ .
انتقاد مخاطبان به سبب نیازنداشتن به آموزش دیدن مباحث تربیت جنسی	م ۱۷: جلسهٔ اول به یکی از دبیرستان‌ها رفتیم؛ ولی جلسهٔ دوم گفتند که: «این مباحث خیلی پیش‌پافتاده است و همهٔ این‌ها را بلد هستیم». مدیر مدرسه هم از خانواده‌ها حمایت کرد که: «این بحث‌ها چیست؟».

مربیان عفاف‌گرایی

۱. در بخش نتیجه‌گیری، دربارهٔ این مسئله، بیشتر توضیح داده شده است.

۲. متأسفانه، برخی والدین به آموزش‌دهی صریح مباحث جنسی به فرزندان خود تمایل دارند و گمان می‌کنند اگر مسیر غرب در آموزش دادن مباحث جنسی به کودکان و نوجوانانشان را طی نکنند، شکست می‌خورند. این افراد بعضاً در اعتقادات اولیهٔ دینی هم مشکل چندانی ندارند؛ اما دچار نوعی گرفتاری حاصل از غرب‌گرایی هستند.

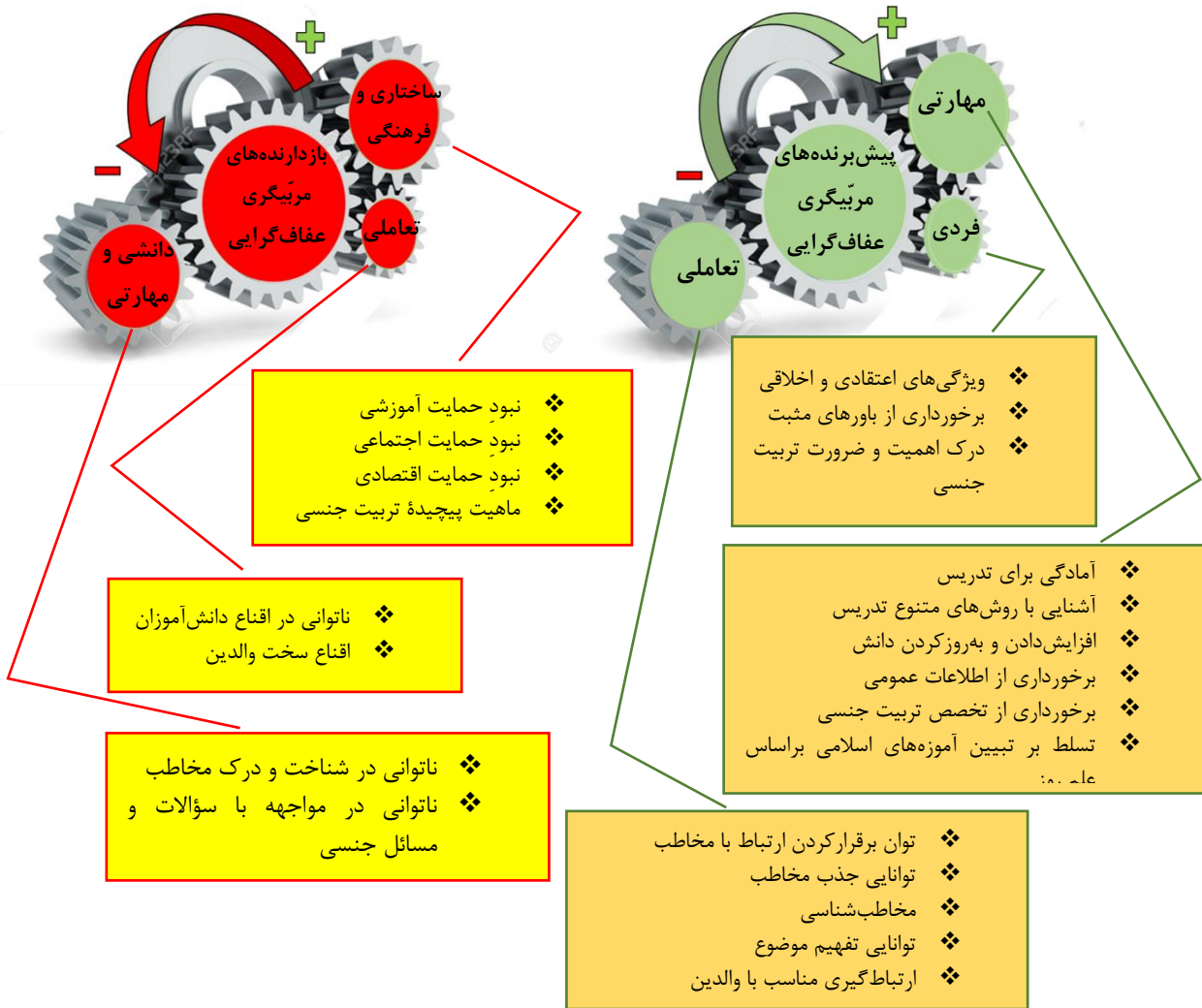
<p>م ۲: برخی منابع و اساتید می‌گویند که: «باید به یک دختر نوجوان، همه چیز را باید گفت». خُب دختری که هنوز ازدواج نکرده را نمی‌توانیم همه چیز را به او بگوییم! باز یک عده می‌گویند که: «اصلاً هیچ چیز نباید بگوییم».</p>	<p>مطابقت‌نداشتن برخی مباحث تربیتی و فقهی با یکدیگر</p>
<p>م ۱: از لحاظ مالی، تأمین نیستیم. من فقط برای رضای خدا می‌آیم. قبلاً بودجه داشتند و حق‌الزحمه‌ای پرداخت می‌شد. درست است که نیاز روز است؛ ولی وقتی که همسرم انتظار دارد، بچه‌هایم انتظار دارند و همچنین خودم، چه کار کنم؟</p>	<p>نارضایتی از پرداخت‌های مالی</p>
<p>م ۴: تربیت یعنی رشد دادن و یک پروسه زمان‌بر است. من مربی، جدا از اینکه سر کلاس، اطلاعاتی را به بچه می‌دهم، باید در تمام روز در اختیار او باشم و بارها شده که تلفنی به سؤالاتش پاسخ دادم.</p>	<p>زمان‌بر و غامض بودن مربیگری نسبت به معلمی</p>
<p>م ۹: یقین دارم که می‌توانم بی‌حجاب‌ترین فرد را قانع بکنم که حجاب خوب است؛ اما عاملیت آن، بحث دیگری است. من طوری صحبت می‌کنم که طرف بی‌اعتقاد هم باشد، می‌گوید: «بله حاج آقا! درست است و راست می‌گویید! اما من اهلش نیستم».</p>	<p>عامل نبودن مخاطب به‌رغم پذیرش مسائل</p>
<p>م ۱۰: من هم باید بدانم که مشکلات مخاطبانم چیست و هم بتوانم ارتباط صمیمی‌ای با آن‌ها برقرار کنم. خیلی می‌خواهد هنرمند باشم که در جلسات اول و دوم، آن ارتباط صمیمی را پیدا بکنم که بچه‌ها در جلسات دوم و سوم بیایند و مشکلاتشان را به من بگویند.</p>	<p>محدودیت زمانی در شناخت و ویژگی‌های مخاطب</p>
<p>م ۹: در جمعی بحث خودارضایی را مطرح کردم؛ چون می‌دانستم که یک عده درگیر آن بحث هستند؛ اما کنار آن، سه چهار نفر که درگیر نبودند نیز با این قضیه آشنا شدند و با اینکه درگیری ذهنی نداشتند، ذهن آن‌ها هم در این قضیه جوّال شد.</p>	<p>آگاهی‌نداشتن از چگونگی بیان برخی مسائل اخلاق جنسی</p>

همایت اقتصادی صورت‌گرفتن

چهارشنبه ۱۳۹۹

نتیجه‌گیری

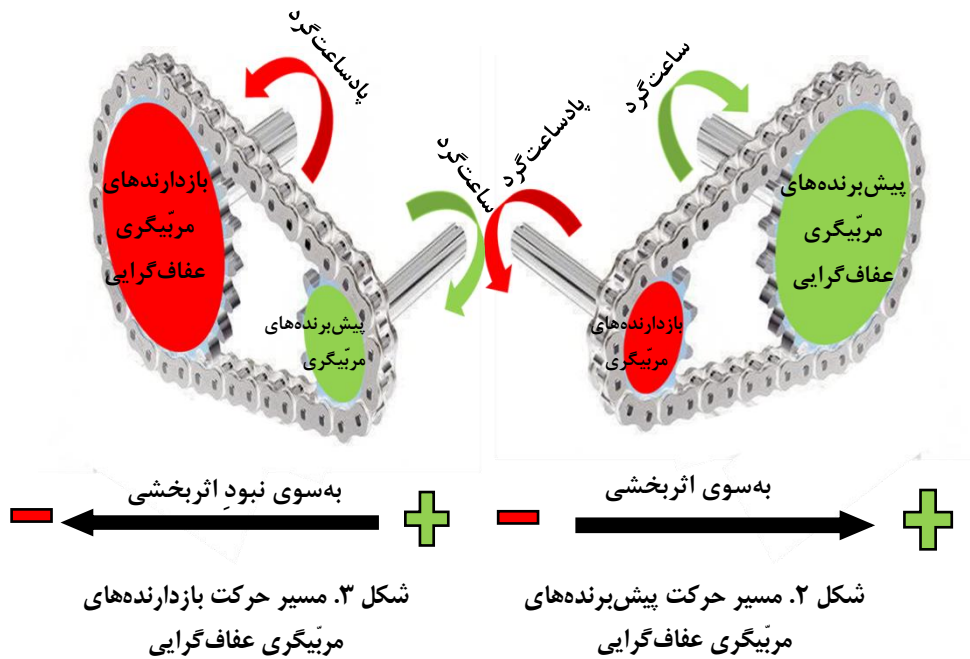
به دلیل پوشیده‌نبودن نقش کلیدی و حساس مربیان عفاف‌گرایی در ارتباط با دانش‌آموزان، در این مطالعه، عوامل پیش‌برنده و بازدارنده مربیگری در حوزه عفاف‌گرایی شناسایی شدند؛ بر این اساس، در پی تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده، یافته‌های پژوهش در قالب ۱۰۳ مفهوم، ۲۱ مقوله و شش مضمون، به شرح شکل ۱ دسته‌بندی و عرضه شد:



شکل ۱. واکاوی تجارب زیستهٔ مربیان عفاف‌گرایی: پیش‌برنده‌ها و بازدارنده‌ها

به‌لحاظ ماهیت، در این جستار، تحلیل و دسته‌بندی هرچه دقیق‌تر پیش‌برنده‌ها و بازدارنده‌ها موردنظر بوده است؛ اما آنچه مرئیگری و درواقع، عفاف‌گرایی را پیش می‌راند، برهم‌کنش مجموع عوامل پیش‌برنده است و آنچه سبب بازدارندگی و اثربخش‌نبودن در

انجام دادن وظیفه خطرناک مربیگری می شود نیز حاصل جمع عوامل بازدارنده است. از سوی دیگر، برآیند مجموعه عوامل پیش برنده با همگامی عوامل بازدارنده، تعیین کننده موفقیت یا ناکامی جامعه ما در عفاف گرایی و تربیت جنسی مطلوب و در نتیجه، بروز رفتارهای سالم یا مخرب جنسی در نسل آینده خواهد بود!



بر این اساس و مطابق شکل ۲، اگر عوامل پیش برنده، قدرتمند باشند و به واسطه روان بودن عوامل تشکیل دهنده آنها (اعم از عوامل فردی، تعاملی، و دانشی و مهارتی)، قدرت حرکتشان بیشتر شود، در روندی ساعت گرد به سمت بهبود وضعیت مربیگری حرکت می کنند و زمینه را برای فعالیت بهتر مربیان عفاف گرایی فراهم می آورند. این حرکت به نوبه خود موجب می شود جامعه به سوی عفت و پاکدامنی که از ویژگی های حیات طیبه است، حرکت کند و نوجوانان و جوانان و به تبع آنها نهاد خانواده از مصونیت بیشتری در جامعه برخوردار شوند؛ اما همان گونه که در شکل ۳ می بینیم، اگر عوامل

۱. در شکل های ۲ و ۳، حرکت ساعت گرد، نماد موفقیت تلقی می شود.

بازدارنده، قدرتمند باشند و هزینه‌ از بین بردن موانع آن‌ها برای مربیان عفاف‌گرایی، زیاد باشد، عوامل پیش‌برنده قادر نخواهند بود در مقابل قدرت و سرعت عوامل بازدارنده، نقشی مؤثر داشته باشند؛ از این روی، بازدارنده‌ها در روندی پادساعت‌گرد به سمت کاهش‌دهی زمینه کار مربیگری حرکت می‌کنند و بدین صورت، وضعیت مربیگری تربیت جنسی، دشوارتر خواهد شد؛ بدین ترتیب، زمینه سيطرة یافتن جامعه مبتنی بر فساد اخلاقی بر جامعه مبتنی بر عفاف‌گرایی فراهم خواهد شد و نسل حاضر و آینده، بیش از پیش تهدید می‌شوند.

اگرچه نقش مربیان در پیشبرد جامعه به‌سوی عفاف، انکارناپذیر است، اساساً از منظر نویسندگان این مقاله، تربیت جنسی، اعم از نوع مطلوب (در راستای عفاف) و نامطلوب (در راستای فساد)، با برداشته‌های مضیق از برنامه درسی و آموزش سازگار نیست. برنامه‌های درسی تربیت جنسی، با عرصه‌ای به‌وسعت جهان بشریت و نیز با عناصر بسیار متعدد و متنوع و در اوج پیچیدگی، با شدت و حدت فراوان، از طریق انواع آموزش‌های رسمی و به‌ویژه غیررسمی، آشکار و به‌ویژه پنهان و پوچ، مخصوصاً با راهبردهای رسانه‌ای و نیز اقتصاد جنسی، بر آحاد جامعه اثر می‌گذارند و متأسفانه در مجموع، آن را به‌سوی فساد (نه فلاح) پیش می‌برند (سعیدی رضوانی و غلامی، ۱۴۰۰؛ مدبر عزیزی و سعیدی رضوانی، ۱۴۰۱؛ محمدحسین‌زاده، سعیدی رضوانی، امین‌خندقی، مهram و تقی‌پور، ۱۳۹۹).

از این منظر، اگرچه مربیگری، عنصری مهم در برنامه‌های درسی تربیت جنسی در حوزه عفاف‌گرایی به‌شمار می‌آید، حتی اگر تمام بازدارنده‌های دانشی و مهارتی، تعاملی، و ساختاری و فرهنگی در خصوص مربی عفاف‌گرایی از بین بروند، تا زمان اصلاح، تغییر و حذف ساختارهای بسترساز روان‌کننده فساد رسانه‌ای، اجتماعی و... نمی‌توان چندان به اصلاح مؤثر وضعیت زیست جنسی جامعه امیدوار بود (سعیدی رضوانی، ۱۴۰۱؛ ارشدی، ۱۴۰۱).

کلاس‌های درس تربیت جنسی فسادآفرین، بدون هیچ اغراقی، به‌صورت شبانه‌روزی و رایگان از طریق هزاران برنامه ماهواره‌ای و اینترنتی، برای هر ذائقه‌ای آماده شده‌اند و تربیت حداقلی (ایجاد تغییر در دانش، بینش و نگرش‌های مخاطبان)، حتی اگر هم به‌درستی انجام شود، هرگز نمی‌تواند در برابر این سیل بنیان‌کن، به‌صورتی مؤثر مقاومت کند. اگرچه به‌لحاظ وظایف فردی آحاد اجتماع، حتی جلوگیری از یک گناه نیز ادای تکلیف و ان شاء الله مستوجب ثواب الهی خواهد بود، تربیت حداکثری از رهگذر مکلف‌کردن مربی به فضا

و محیط‌سازی، نظارت و کنترل، برآوردن نیازهای جنسی از راه مشروع (ازدواج)، اصلاح و حذف ساختارهای مخرب و همچنین اثرگذاری بر حیطه هیجانی - عاطفی درکنار تربیت حداقلی مطلوب، تنها راه چاره برای حل بحران جنسی جامعه ماست.

برخی یافته‌های این مطالعه، ناظر بر رفتار مدیران، متأسفانه، دیدگاه سعیدی رضوانی (۱۳۹۷، ص. ۱۹۷) را تأیید می‌کند که تعامل مجموعه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی با تربیت جنسی، دارای نوعی حیای بی‌جهت در پوشیدگی امر جنسی و تأکید کلی بدون برنامه بر حفظ حیا و عفت، بدون بررسی امکان ارضاکردن غریزه جنسی در چهارچوب صحیح شرعی و عقلی است. این‌گونه تعامل، ناقص و نافی طبیعت انسانی و بدون لحاظکردن وضعیت وحشتناک تحریکات جنسی در گستره اجتماع امروز ماست. یافته‌های دیگر نیز برداشت تابوماند برخی والدین را (به‌رغم تعهد اخلاقی آن‌ها) از آموزه‌های جنسی نشان می‌دهند. این یافته، مؤید نگاه عسکری، میرزایی نجم‌آبادی، سعیدی رضوانی و سید محسن (۲۰۲۰) است که معتقدند اساساً توانمندی ارتباطی لازم در پدران و درحوزه تربیت جنسی فرزندان وجود ندارد؛ همچنین مطالعه وقاری زمهریر، حجازی، عبیری و سعیدی رضوانی (۱۳۹۴) این مسئله را تأیید می‌کند که اگرچه برخی والدین به‌لحاظ نگرشی، تربیت جنسی را مطلوب می‌دانند، در بُعد کنش و اقدام، خلأ قابل توجهی در این حوزه یافت می‌شود.

پیشنادهای پژوهشی و کاربردی

براساس آنچه در این مقاله گفتیم، موارد ذیل به پژوهشگران گرامی پیشنهاد می‌شود:

- انجام‌دادن پژوهش‌هایی درخصوص تجارب متریبان عفاف‌گرایی و سنجش تأثیر آموزه‌های مربیان عفاف‌گرایی؛
- انجام‌دادن پژوهش در میدان‌های وسیع‌تر مانند چندین استان و مقایسه‌کردن نتایج با یکدیگر؛
- نیازسنجی از والدین و دانش‌آموزان درخصوص تعلیم‌دیدن از مربیان عفاف‌گرایی؛
- اختصاص‌دهی بودجه برای تربیت و فعالیت مربیان عفاف‌گرایی در سطح کشور برای آگاهی‌بخشیدن به والدین و کاهش‌دادن مشکلات و ناهنجاری‌ها؛
- ضریب‌دادن به اهمیت گسترش فرهنگ عفاف از دوران کودکی ازسوی آموزش و پرورش؛

- توجه بیشتر به پیشگیری از ناهنجاری‌ها در رفتارهای کودکان و نوجوانان به جای تمرکز بر رفع معضلات اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی.

منابع

قرآن کریم.

ابراهیمی هرستانی، اصغر؛ مهرام، بهروز؛ و لیاقت‌دار، محمدجواد (۱۳۹۴). واکاوی برنامه درسی مغفول برای تربیت جنسی دانش‌آموزان پسر مقطع راهنمایی تحصیلی. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۱۲(۴۴)، ۲۶-۴۰.

ارشدی، وحید (۱۴۰۱). تبیین عوامل مؤثر بر ایجاد و توسعه شبکه بازار اقتصاد جنسی: چالش میان تربیت حداقلی و حداکثری در امر جنسی. مشهد: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، و پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.

استراوس، انسلم؛ و کوربین، جولیت (۱۳۹۱). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای (ابراهیم افشار، مترجم). تهران: نشر نی.

اسلامیان، زهرا؛ سعیدی رضوانی، محمود؛ و غفاری، ابوالفضل (۱۳۹۸). شناسایی و اولویت‌بندی پیام‌های مرتبط با خویش‌داری جنسی دانش‌آموزان براساس منابع و دیدگاه‌های دانش‌آموزان. تربیت اسلامی، ۱۴(۲۸)، ۱۷۵-۱۹۴.

جناتی، اشرف (۱۳۹۹). الگوی عفاف برمبنای تحلیل محتوایی سوره نساء. نشریه مطالعات اخلاق کاربردی، ۱۰(۳۸)، ۱۱-۳۶.

حجازی، زهرا؛ قادری، مصطفی؛ صادقی، علیرضا؛ صمدی، پروین؛ و نیکنام، زهرا (۱۴۰۱). مفهوم‌سازی برنامه درسی تربیت جنسی با تأکید بر نقش خانواده- مدرسه. مجله پژوهش‌های برنامه درسی، ۱۲(۲۳)، ۶۲-۸۸.

حسینی خیرآبادی، سید حسن؛ مؤمنی مهمویی، حسین؛ و راعی، طاهره (۱۴۰۱). بررسی و تبیین راهبردهای تربیت جنسی دختران نوجوان در خانواده و جامعه. پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، ۱۰(۲۷)، ۶۹-۸۷.

رضوی‌نژاد، مهتاب؛ و موسوی، مهسا السادات (۱۴۰۲). چالش‌های تربیت جنسی کودکان: یک مطالعه مروری. نشریه پژوهش پرستاری، ۱۸(۳)، ۳۲-۴۰.

سالاری‌فر، محمدرضا؛ بیاتی، مهدی؛ و سالاری‌پور، حسن (۱۳۹۶). مدل نظری آسیب‌شناسی تربیت عفاف و حجاب در ایران. نشریه تربیت اسلامی، ۱۲(۲۵)، ۹۵-۱۱۷.

- سعیدی رضوانی، محمود (۱۳۹۷). پاره حقیقت‌گویی در تحلیل گفتمان انتقادی تربیت جنسی نظام آموزشی ایران. *پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت*، ۸(۱۵)، ۱۶۰-۱۷۳.
- سعیدی رضوانی، محمود (۱۳۹۹). تربیت جنسی. *دانشنامه ایرانی برنامه درسی*، ۱-۱۷.
- سعیدی رضوانی، محمود (۱۴۰۱). *تقلیل‌گرایی در تربیت و پیچیدگی امر جنسی: چالش میان تربیت حداقلی و حداکثری در امر جنسی*. مشهد: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، و پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
- سعیدی رضوانی، محمود؛ و غلامی، فاطمه (۱۴۰۰). بررسی پدیدارشناسانه پیشران‌ها و چالش‌های رعایت عفاف در دانشجویان پسر دانشگاه فردوسی مشهد. *نشریه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۶(۲۰)، ۳۷-۶۰.
- سعیدی رضوانی، محمود؛ غلامی، فاطمه؛ و باقری، حسین (۱۳۹۸). شایستگی‌های کانونی مربی تربیت جنسی. *مجله پژوهش‌های برنامه درسی*، ۹(۱۸)، ۱۶۳-۱۹۹.
- سلمانی، عباس‌علی (۱۳۹۶). شایستگی‌های مربی در زمینه تعلیم و تربیت با رویکرد جهادی. *فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲۵(۳۶)، ۵-۳۰.
- سلیمانی‌نسب، مرتضی؛ نورعلی‌زاده میانجی، مسعود؛ و همتی، مجید (۱۴۰۲). روش‌های خویشتن‌داری جنسی در ساحت‌های سه‌گانه تربیت براساس منابع اسلامی با تأکید بر دوره‌های نوجوانی و جوانی. *فصلنامه علمی تربیتی از دیدگاه اسلام*، ۱۱(۲۰)، ۳۵-۶۴.
- شمس‌الدین دینانی، محمد؛ و نمازی‌زادگان، سعید (۱۳۹۴). نقش مربیان در تربیت جنسی کودکان و نوجوانان. *همایش خانواده و تربیت جنسی*، دانشگاه فردوسی مشهد.
- شهریار، روح‌الله؛ و نجفی، حسن (۱۳۹۸). *صلاحیت‌های حرفه‌ای مربیان تربیت دینی: ارائه چارچوبی همسو با حکمت ۱۴۷ نهج البلاغه*. *فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲۷(۴۵)، ۱۹۷-۲۲۴.
- عباس‌زاده، محمد (۱۳۹۱). تأملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۳(۴۵)، ۱۹-۳۴.
- فلکیان، محدثه (۱۳۹۶). شناسایی نیازهای تربیت جنسی کودکان از منظر تجارب زیسته مادران. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه فردوسی مشهد، خراسان رضوی، ایران.
- فیاضی، مینا؛ رامشت، شهرام؛ و صداقت‌زاده، میثم (۱۴۰۲). ویژگی‌های مربی شایسته در اندیشه شهید مطهری. *مجله راهبردهای نوین تربیت معلمان*، ۹(۱۵)، ۱۷۹-۲۰۰.

واکاوی تجارب زیستهٔ مرّیان عفاف‌گرایی... / محمود سعیدی رضوانی و فاطمه غلامی ۳۳

کارآمد، حسین؛ و عباسی، محمدعلی (۱۴۰۰). مؤلفه‌های شناختی و فراشناختی سبک زندگی عقیفانه. *نشریهٔ تربیت اسلامی*، ۱۶(۳۶)، ۱۱۳-۱۳۵.

محمدحسین‌زاده، معصومه؛ سعیدی رضوانی، محمود؛ امین‌خندقی، مقصود؛ مهram، بهروز؛ و تقی‌پور، علی (۱۳۹۹). افول ارزش‌های عفاف و حجاب در دانشکدهٔ پزشکی: یک مطالعهٔ پدیدارشناسی. *نشریهٔ تربیت اسلامی*، ۱۵(۳۲)، ۳۳-۵۳.

محمدی مقدم، فرید (۱۳۹۴). *درسنامهٔ عفاف*. مشهد: نشر اعتقاد ما.
محمدی مقدم، فرید (۱۳۹۶). *خانواده و مراقبت‌های جنسی فرزندان در آموزه‌های اسلامی*. مشهد: نشر اعتقاد ما.

مدبّر عزیزی، حسین؛ و سعیدی رضوانی، محمود (۱۴۰۱). *چالش‌های رسانه‌ای مؤثر در تربیت جنسی: چالش میان تربیت حداقلی و حداکثری در امر جنسی*. مشهد: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، و پژوهشکدهٔ مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.

مرویان حسینی، سید محمود (۱۳۹۴). *کودک و نوجوان و تربیت جنسی: سلسله مباحث تربیتی در سبک زندگی اسلامی (جلد ۱) (چاپ ۱)*. مشهد: مؤسسهٔ چاپ و نشر آستان قدس رضوی.

معصومی، محترم (۱۳۹۸). *تشخیص نیازهای آموزشی مرّیان پیش‌دبستانی برای تربیت جنسی نوآموزان: مطالعه با رویکرد کیفی*. (پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد). دانشگاه فردوسی مشهد، خراسان رضوی، ایران.

وقاری زمهریر، زهرا؛ حجازی، زهرا؛ عبیری، ساناز؛ و سعیدی رضوانی، محمود (۱۳۹۴). بررسی نگرش و کنش والدین به تربیت جنسی فرزندان. *همایش ملی اشراق اندیشهٔ مطهر، خانواده و تربیت جنسی*، ۹، ۳۴۳-۳۶۰.

یاری دهنوی، مراد؛ و ابراهیمی شاه‌آبادی، فاطمه (۱۳۹۵). پدیدارشناسی تربیت جنسی ازدیدگاه کارشناسان تربیتی. *دوفصلنامهٔ علوم تربیتی ازدیدگاه اسلام*، ۴(۷)، ۹۵-۱۱۴.

یوسفی‌کیا، فهیمه؛ وجدانی، فاطمه؛ و محمصص، مرضیه (۱۴۰۱). *صلاحیت‌های حرفه‌ای مرّبی براساس دیدگاه آیت‌الله حائری شیرازی*. *دوفصلنامهٔ علوم تربیتی ازدیدگاه اسلام*، ۱۰(۱۸)، ۲۸۷-۳۱۸.

Askari, F.; Mirzaiinajmabadi, K.; Saeedy Rezvani, M.; and Seyyed Mohsen, A. (2020). Sexual Health Education Issues (Challenges) for Adolescent Boys in Iran: A Qualitative Study. *Journal of Education and Health Promotion*, 9, 1, 33-42.

Balakrishnan, K.; and Singh, G. K. S. (2023). Parents' Perspective on Sex Education Mplementation within The Context of Early Childhood Education in

- Malaysia. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 13(8), 1481-1493.
- Moser, A.; and Korstjens, I. (2018). Series: Practical Guidance to Qualitative Research. Part 3: Sampling, Data Collection and Analysis. *EUROPEAN JOURNAL OF GENERAL PRACTICE*, 24(1), 9-18.
- Neubauer, B. E.; Witkop, C. T.; and Varpio, L. (2019). How Phenomenology Can Help us Learn from the Experiences of Others. *Perspect Med Educ*. 8(2), 90-97.
- Ram, S.; and Mohammadenzhad, M. (2020). Sexual and Reproductive Health in Schools in Fiji: A Qualitative Study of Teachers' Perceptions. *Health Education*, 120(1), 57-71.
- Tenny, S.; Brannan, G. D.; Brannan, J. M.; and Sharts-Hopko, N. C. (2021). *Qualitative Study*. StatPearls Publishing, Treasure Island. <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/29262162/>.